

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس بکشنیه ۲۰ دی ۱۳۱۵ #

فهرست مطالب

- ۱ (تصویب صورت مجلس
 ۲ (بقیه شور لایحه اصلاح قانون وکالت و تصویب مواد ۷ و ۸
 ۳ (تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه
 ۴ (تصویب سه فقره مرخصی
 ۵ (موعود و دسلور جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس یکساعت و ربع قبل از ظهر برباست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس بکشنیه ۱۳ دیماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند ##

۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (گفته شد -
 غیر) صورت مجلس تصویب شد .

۲ - بقیه شور لایحه اصلاح قانون وکالت و تصویب
 مواد ۷ و ۸]

رئیس - بقیه لایحه اصلاح قانون وکالت مطرح است .
 ناماده شش تصویب شده بود . ماده هفت قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده هفتم - به اشخاص ذیل اجازه شغل وکالت داده
 نشود .

۱ - اتباع خارجه .

۲ - قضات و مستخدمین دولتی و بلادی و مملکتی در حین
 اشتغال بخدمت باستانه استادان دانشکده حقوق که اشتغال
 بتدریس یکی از شعب حقوقی دارند در صورت اجازه
 وزارت معارف .

۳ - کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال است .

۴ - محکومین بانفسال ابد از خدمات دولتی

۵ - اشخاص که مرتکب اعمالی شوند که منافی با
 شئون وکالت است .

عین مذاکرات مشروح هشتاد و چهارمین جلسه از دوره دهم تقنینیه (مسبقاً در ۸ آذر ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غالبین با اجازه - آقایان : اردبیلی - کمالی - دکتر احتشام
 طبیبی بی اجازه - آقایان : سران اسفندیاری - دکتر ملکزاده - مدعل - دبیر سهرابی
 دبیر آمده با اجازه - آقای ملک مدنی
 دبیر آمدگان بی اجازه - آقایان : همرا - محمودی غراسانی - منصف - وکیلی - بیات

۶ - اشخاص مشهور بنسب اخلاق و تجار باستعمال مسکر و اذیون و اعمال منافی عفت.

۷ - اشخاصی که نسبت ولایات یا قیود هستند.

۸ - محکومین بجنایت معلماً و محکومین بجنحه که به موجب قانون متلزم محرومیت از حقوق اجتماعی یا از قبول وکالت باشند و یا اینکه محکمه محرومیت مزبور را در حکم خود قید کرده باشد.

۹ - کسانی که بانام اورنگاب جنایت یا جنحه که بموجب قانون متلزم محرومیت از حقوق اجتماعی است تحت مجازات هستند.

۱۰ - اشخاصیکه بامر وزیر عدلیه طبق ماده ۴۵ این قانون از شغل وکالت معلق هستند.

۱۱ - اشخاصی که طبق حکم محکمه از وکالت محروم شده اند.

۱۲ - وکلایی که وجه پروانه وکالت را در موعد مقرر نپردازند.

۱۳ - وکلایی که در ظرف مدتی که وزارت عدلیه برای اجرای ماده یک این قانون در هر حوزه قضائی تعیین مینماید درخواست پروانه وکالت نمانند.

رئیس - آقای رضوی.

رضوی - بنده در چند قسمت از این ماده عراضی داشتم. اولاً در قسمت دوم است که نوشته بر طبق ماده ۴۵ در صورتی که ماده ۴۷ است و ترتیب مواد قانون باید درست باشد و یکی هم راجع به تعلیق وکلاء است که مدنی برای آنها ذکر شده بنظر بنده اگر آقای وزیر عدلیه موافقت فرمایند علاوه شود این قسمت قانونی که تکلیف آنها معلوم شود بهتر است و یکی هم در قسمت ماده ۱۲ که مینویسد وکلاء که وجه پروانه وکالت را در موعد مقرر نپردازند در حالت اشخاصی که بموجب این قانون دارای شرایط وکالت از هر جهت شدند فقط برای ناخرجه وجه پروانه وکالت بکلی آنها از وکالت محروم شوند شاید خیلی خوب باشد از این جهت بنده خواستم پیشنهاد کنم در صورت موافقت

آقای وزیر عدلیه این قسمت را در نظامنامه رعایت کنند یعنی جزای این ماده را در نظامنامه قرار دهند و اینست از ماده حذف نمود. و در قسمت سیزدهم هم اگر موافقت فرمایند بعد از آنکه همین نباید عبارت عذر ووجه اضافه شود.

رئیس - آقای اورنگ.

اورنگ - عرض کنم در این ماده ۷ شرایط ذکر شده که اگر کسی آلوده باین معانی باشد از وکالت محروم است اول اتباع خارجه است بعد فحشاء و مستخدمین دولتی و پادری و ماسکنی در جین اشتغال بخدمت پادشاهان استادان دانشکده حقوق که اشتغال بتدریس یکی از شب حقوقی دارند در صورت اجازة وزارت معارف سوم کسانی که سن آنها کتر از ۲۵ سال است چهارم محکومین بانضال ابد از خدمات دولتی...

وزیر عدلیه - کاه (محکومیت) در طبع اشتباه شده باید (محکومین) باشد.

اورنگ - بله محکومین غلط چاپی است که محکومیت نوشته پنجم اشخاصی که مرکب اعمالی شوند که منافی باشکون وکالت است ششم اشخاص مشهور بنسب اخلاق و تجار باستعمال مسکر و اذیون و اعمال منافی عفت در حقیقت در شرط ششم جمع آنچه را که در شرط پنجم خواسته است با ایهام و اجمال اشاره بآن مسائل و مدعی کند در حق ششم ذکر کرده وقتی که بلک کسی مشهور بنسب اخلاق شد این امر کلی است برخلاف خیلی را در اینجا جمع و ذکر کرده هر کسی که دارای فساد اخلاق و مشهور شد از وکالت محروم است دیگر قسمت پنجم برای چه چیز است چه عملی است که قسمت پنجم را لازم دارد که باشد...

قوام - شما نمیتوان مخالفت نمیتوانید صحبت کنید باید موافق جواب دهید.

اورنگ - جواب بعد میدهم.
قوام - این جواب پارلانی نیست.

اورنگ - عرض میکنم حضور محترم وقتاً امر محمل در قانون مورد دستور واقع میشود نمیتواند سرچشمه نسبت پنجمه حکم کرده باشد این امر غیر مقدر است برای قاضی که می ایستد روی این قانون و میل دارد بلک کسی را منع کرده باشد فراموش این نکته را باشد برای اول شخصیه مطلب سهل تر است. اما امر مجمل بهم می زبان نماند است عملی را قاضی تشخیص دهد منافی شأن وکالت است و قدر قانون هیچ امری نیست مثلاً فرض بفرمایند سیل را حالا مرسوم شده است برافشاند قاضی میگوید سه مخالف با شئون وکالت است من میگویم سه موافق عرف عموم است حالا مد شده میگوید خیر من اینچونر میگویم که این عمل منافی شأن وکالت است با عدل دیگر مثل میزاس البته در مثل لکر میکنم که خالق الله بدشان نیاید ممکن است بلک عدل دیگری را بلک قاضی منافی شأن وکالت تشخیص بدهد و عدل او منافی با شأن وکالت نباشد اما قاضی تشخیص میدهد اینکه بنده سؤال میکنم نتوانستم بنور آقای زوار مخالفت کرده باشم خواستم در اینخصوص لافق توضیحی داده شود که آن توضیح دستور شود در آنجا برای قضات که روی آن توضیحی که در مجلس شورای ملی داده میشود برای قضات روشن شود که چه اعمالی منافی با شئون وکالت است و چه اعمالی موافق اینچونر که ایهام و اجمال دارد بعقیده بنده همه طور قابل تفسیر و تعبیر است و برای احدی هر قاضی بلک فصل فطری در بیان ندارد که مثلاً من بدانم چه عملی را مرکب نشوم که آن اعمال منافی با شئون وکالت نباشند یا قاضی هم بداند چه اعمالی را هر مرکب شد آن اعمال مخلت با شئون وکالت است

وزیر عدلیه - اظهارات آقای رضوی آنچه که مربوط باشق بعد ماده بود حق یا ایشان است گمان میکنم اشتباه شده است این ماده ۴۵ که در اینجا نوشته شده است باید ماده ۴۷ باشد که چه حالا ماده ۴۷ هر وقتش عوض خواهد شد چون بلک اشخاصی در تقدم و تاخر ماده دیگری شده و ماده ۴۷ را قاضی باید عوض شده ۴۸ شود برای اینکه ماده ۵۲ حقاً باید عقب ماده ۴۶ باشد و اگر آن ماده را بگذاریم اینجا آنگاه ماده چهارم و هفتم ۴۸ خواهد شد بنابر این در قسمت دوم عوض ۴۵ باید نوشته شود ۴۸. و اما راجع برابری که در قسمت شش نوشته شده فرمودند این موضوع در کمیسیون خیلی صحبت شده البته اگر اقتضا نداشت و اگر بلک سوابقی نداشتند و عدل ما را بکلی فلج نکرده بود شاید لزومی نداشت که بلک ۴۵ چو چیزی را در قانون قید کنیم ولی مناسفانه در عمل بقدری مورد احتیاج شد که خواست میکنم از این قسمت صرف نظر کنند و در کمیسیون هم مصلحت بود و در کمیسیون آقایان تصدیق فرمودند که این قسمت در قانون لازم است اما نسبت بنظایرات آقای اورنگ اینجا مجبور جواب عرض کنم که راست است صورت ظاهر ایراد ایشان وارد است وقتی که ما منع کردیم اشخاصی را که دارای فساد اخلاق و متجاهر باستعمال مسکر و اذیون هستند دیگر کافی است و البته کسی که این چیز ها را داشته باشد باینی از وکالت محروم شود ولی در زندگانی اجتماعی بلک چیز هائی هست که هیچ قانونی آنها را منع نمیشود کند یعنی بطور مطلق که نگاه میکنم قطع نظر از ارتباط با اشخاص بلک اعمالی است که قبح ندارد ولی وقتی که با اشخاصی تطبیق میکنیم میبینیم قبح ندارد بنده بعضی نمی دانم که در مجلس عرض کنم که بعضی از وکلاء در حین اشتغال به عمل وکالت بلک مغافل داشتند که شاید اگر اشخاص دیگر داشتند عیب نداشت و قبیح میدانم آن مغافل را در اینجا عرض کنم ولی من باب مثل عرض میکنم اگر بلک وکیل در این فصل زمستان که کاری هم ندارد خواست رفتن کند بگوید برف آمده و خواست برف پارو کند و بلک پارو روی خودش گرفت گفت من برف پارو میکنم برف پارو کردن عمل قبیحی نیست ولی اگر بلک وکیل عدلیه در حین اشتغال بوکالت خواست برف هم

پارو کند آیا این مناسب است برای وکیل عدلیه؟ البته این قبیل اعمال منافی باوقل وکالت است و اگر بشوایم آن مواردی را که پیش آمده عرض کنم همه آقایان صدیق میکنند که آن اعمال منافی با شئون وکالت بود است.

رئیس - آقای زوار

لواء - اولاً بنده آن تذکری که به آقای اورنگ دادم موافق اصول پارلمانی بوده مهورل هم این بوده است که در لوائح يك مخالف و يك موافق حرف میزند اولت باز مخالف حرف میزند و چون بعضی اولت ما از سراجم کامله مقام ریاست و از اولت افتاد استفاده میکنند یکوقت می بینیم که چهار مخالف پشت سرهم حرف میزند و این مخالف اصول نظامنامه است عرض کنم راجع بقسمت ششم که اینجا بنویسید بنده مختصر عرض داشتم و آن این بود که اینجا بنویسد مشهور بشود بنیاد اخلاق و تجار به استعمال مسکر و افیون بنده عرض میکنم البته از اشخاصی هم که عادت دارند بافیون و میثلا هستند چندتا خوش نیابند ولی این خوبی هم در بنده فرجه ندارد که يك بیچاره را آدم می نماند. يك چیز دیگری هم هست که عرض کنم و این آن است که افیون را مذهب اسلام حرام کرده است ولی مسکر را حرام کرده است ممکن است یکی از وکلای متدین باشد ولی ما تشخیص بدهیم که چون افیون میکند و بیچاره بافیون است این محروم باشد بالاخره ما بداییم که لآن آدم افیون میکند آقای وزیر عدلیه هم میدانند که تراب میکند ولی این شخص يك آدم متدین و نظریه شناس است و هیچ لزومی ندارد که ما چنین شخصی را که وظیفه اش را خوب انجام میدهد محروم کنیم و عقیده بنده این است که اشخاص مشهور بشود اخلاق و بیچاره بشود و کسانیکه اعمال منافی غت را میکنند اینها را بگذارد و این کلامه افیون را بر دارد. بنده نه بعنوان طرفداری از افیون کنها این عرض را میکنم بلکه بنام حفظ انوس نظاما میکند اما کلامه را بر ندارد.

رئیس - آقای روسی.

روسی - بنده بنام يك مخالف میخوانم صحبت کنم جواب آقا را هر کسی میدهد بدهد بعد بنده عرض را عرض میکنم

مهیتر - عرض کنم جمله افیون در قانون استخدام کنونی و قانون استخدام قضات و سایر قوانین استخدام هست و اگر بنامند از آنجا ها برادریم از اینجا هم بر خواهیم داشت. ضمناً يك نکته را میخوانم در اول جلسه عرض برسانم که غفلت شد و آن این است که در ماده ۳ و ۴ و ۵ که در جلسه گذشته تصویب شد در همان موقع هم بنده این توضیح را داد که در لایحه دولت عبارت این بود وزارت عدلیه میتواند بدو یا با شخاص ذیل اجازه وکالت بدهد کلامه بدو بود بنده هم توضیح دادم که اگر چه نیست در این ماده ولی این موقی در کیه نیست بوده بنسخه اصل هم که مراجعه شد معلوم شد باید باقی باشد لذا این تذکر را برای اینکه اختیار بشود عرض کردم (اختیار - کجا اصلاح میشود؟) در ماده سوم و چهارم و پنجم باید نوشته شود وزارت عدلیه میتواند بدو یا با شخاص ذیل اجازه وکالت درجه اول در ماده بعد درجه دوم در ماده بعد درجه سوم بدهد.

رئیس - آقای روسی

روسی - بنده يك قسمت عرض راجع به وکالت اتباع خارجه بود امروز هر چه دنیا جلو تر برود ما ملل با بیشتر آمد و شد میکنند و با هم بیشتر روابط دارند بملازمه روابط تجاری امروز تقریباً دنیا را بمنزله يك خانواده قرار داده فقط میتوان گفت که شرح حالی ملل را از هم جدا کرده و الا در تجارت و قسمت های دیگر کاملاً رابطه دارند. من عقیده دارم اتباع خارجه را برای همیشه البته باید محروم کرد و باز بملازمه عقیده دارم بیشتر از کسرها و باید به اتباع داخله مخصوص کرد دست خارجه ها را کوتاه کرد و در این قسمت بخصوص بنده میگویم يك نفر وکیل خارجه حق ندارد بدایند

این کار اعاده کند و کسالت کند ولی برای بعضی از موارد شاید امکانی که خیلی مهم باشد و جهت دیگر داشته باشد يك وکیل خارجه میتواند از يك نیمه خارجه بر يك قضیه بخصوص مدافعه کند و این عقیده بنده چندان چیز زبان آوری نیست ولی بطور دائم بنده کلامه مخالف. قسمت دوم راجع به همان موضوعی بود که آقای وزیر عدلیه فرمودند و آقای اورنگ اعتراض کردند بنده این اعتراض را وارد میدانم و بیانات ایشان را وارد میدانم و میدانم چه مقاصدی داشتند شاید صحیح هم بود گفته شود و این البته دیده شده است و باید جلو گیری بکنند ولی جایش در نظامنامه است در قانون نیست ما باید حفظ شئون را برای تمام افراد مملکت لازم بدانیم کارهای مخالف شئون اجتماعی را البته يك تاخر هم نباید بکنند يك وکیل باید هم نباید بکنند که وکیل مجلس هم نباید بکنند اسات و موظف است بر خلاف شئون خودی کاری نکند درست کار باشد با اخلاق باشد ولی این ها را نباید در قانون به بنده بنده نوشت جایش در نظامنامه است تمام آقایان عقیده دارند منتها در تهیه و تشریح حرف دارند. این قسمت ۵ خیلی کدر است و ممکن است در آتی يك سوره استفاده حالی ازش بشود خوب است اینرا حذف کنند و يك نظامنامه بنویسند قانون وکالت قانون مهمی است البته نظامنامه لازم دارد بلکه يك نظامنامه اساسی هم باید داشته باشد این قسمت را در آنجا ذکر میکنم. این قسمت دوم را هم که آقای اورنگ گفتند آت جهان را هم تأمین کنند و تمام اعمالی را که در نظر است که باید وکیل بکنند در آن بنویسند و چهار نفر را تعقیب کنند و معلق کنند جلو گیری خواهد شد.

مهیتر - در قسمت اول فرمایش آقای روسی راجع باتابع خارجه چون منظور آن این بود که نیمه خارجه ملل نیمه داخله برای همیشه نمیتواند وکالت بکنند فقط نشان هر بعضی موارد

احتیاج بود این هست در قانون ممکن است جواز انسانی به آنها داده شود در يك ماده است با بعضی شرایط جواز وکالت انسانی داده میشود اما برای اینکه بطور کلی بگوئیم وکیل يك کشور دیگری بیاید اینجا وکالت بکند این میشود برای اینکه اجازه دادن بود که در کشور ما مربوط است با اینکه آن وکیل واحد يك شرایطی همین باشد قسم خورده باشد و تهمت کرده باشد که نظر بزارت عدلیه را رعایت کرده باشد حالا اگر بیاید و از سر نو تقاضا بدهد و چه بکند و چه بکند باز همانطور می شود که خود آقا نظر داشتند بنا بر این در آن موضوع صحبت می کنیم و در سایر موارد هم مرسوم است که نیمه خارجه و اجازه وکالت بدهند روی عنوان تقابل هم که باشد نباید این رعایت بشود. یکی هم راجع اعمال منافی شئون وکالت که آقایان در قانون بیانات وزیر محترم عدلیه کاف بود ولی بالاخره از هر کس در يك جامعه يك خدمتی انتظار دارند و کلامه منافی شئون را هم بایستی محکمه تشخیص بدهد محکمه هم زمامدار عرف است محکمه تشخیص میدهد که چه کار حالی منافی شئون است و آن مثالی که آقای اورنگ فرمودند بنده خیال نمیکند هیچ محکمه تا حال تشخیص این را داده باشد یا بعداً بدهد امروز منافی با شئون هر طریقه يك چیز حالی است که عرف تشخیص میدهد بعداً اگر محکمه تشخیص داد همان اصل قضائی و همان تشخیص محکمه عرفی برای ما بزرگان خواهد شد لزومی ندارد عیناً بنویسیم و البته این با مناقبات غت تفاوت دارد. مناقبات غت قانون مخصوص دارد و سابقه دارد در مجلس و تفسیر شده البته منظور آنست منظور اعمالی است که منافی باوقل خاص آن طبقه باشد. راجع بوجه اینها وکالت فرمودید که در نظامنامه قید شود يك تذکر دیگری هم داده شد که در موعده مقرر اگر نداده یعنی هر وقت این پول را داد بتواند این اجازه را بگیرد این در کمیسیون هم مذاکره شد و نظر آقای وزیر عدلیه این بود که این اختلاف در مجامع تولید

میکنند حسابها باید در يك موقع معین بسته شود و در يك موقع معینی باید تکلیف معلوم بشود که میزان کارهای اداری معلوم باشد. اگر کسی را اجازه دادند بکارزار چیزی بروند و کالت بکند و یکسال دیگر هم نیاید بود بعد هر روز هم تقبلی میخواند اجازه او را ببندد که نمیرد باقی به اسم و کمال هم اعلان شده است در روزنامه ها و مجامع است و آن وکیل سوء استفاده میکند که پول ندهد. آقای وزیر محترم عدلیه در نظر گرفتند که در ظرف سال دو سه فصل معین کنند که در هر دو سه ماه یا دو سه چهار ماه بتوانند وکیل بیاید پولش را بدهد و در آن فواصل بتوانند دفتر و کالت و بازرسی حسابش را مأموم کنند.

ولیس - آقای مؤید احمدی

مولود احمدی - مخالفت بنده در همین قسمتی بود که

اخیراً آقای نقابت غیر کمیسیون توضیح داده بنده روی این اجازه گرفتن در کمیسیون هم مخالفت کردم منتها در این اجازت ماندم این است که حالا عرض میکنم. ما اشخاصی را که از وکالت ممنوع کردیم که شغل آزادی بود گفتند در پیشگاه محکم عدلیه اشخاصی را نمی پذیریم که دارای این شرایط باشند یعنی خارج از نمی پذیریم اشخاصی که سنشان از ۲۵ سال کمتر است نمی پذیریم. اشخاصی که مرکب اعمالی شوند که متنافی با شئون وکالت است نمی پذیریم. اشخاصی را که تحت حماقت هستند نمی پذیریم جنابستگاران را نمی پذیریم آقوئت يك وکیل درجه اول را که تمام شرایط را دارا است و ما هم تشخیص داده ایم فقط برای اینکه چهل تومان را در ساعت معین نداده هم ردیف قرار میدهم با آن اشخاص. این خوب نیست شاید در آن روز داشت. شما علمش را تصدیق دارید صحت علمش را تصدیق دارید جواز وکالت باو داده اید روز معینی که میخواست پول بدهد نداشته حالا این را محروم می کنند مثل آنهایی دیگر ؟ در کمیسیون هم عرض کردم بنظر بنده این را ندیده قیاس کرد با سایرین نمی شود

تکلیف خودشان را بدانند که در مجامع از وکلا جواز بخواهند شاید همراهش بیاید جطور ممکن است در هر مجامع از وکلا جواز بخواهند وقتی دفتر و کلاسورت و کلازه را در موارد معینی از سال برای عاقد فرستاد هر کسی خارج از آن صورت باشد محکم نمی پذیرد و همین باشخاص هم نمی شود و ما طوری در نظر گرفتیم که در عمل طوری بکنیم که هم منتهای درجه ارفاق شده باشد و باشخاص هم اینک امور داخلجات مختل نشده باشد در نظر داریم که از این طوری تریب بدیم که دورتریه سه سربیه در سال دفتر باز باشد برای اینکه اشخاص بتوانند حساب خودشان را بپردازند و وقتی که در اقتضای آن موعده بپردازند اداره وکالت مجبور باشد صورت اشخاصی را که حساب خودشان را تفریق نکرده اند به عاقد بفرستد و اشخاصی که این کار را نکرده اند البته بمانند برای دوره بعد و چون در سال چند مرتبه دفعه تکرار خواهد شد دیگر نگران نخواهد بود و تصور می کنم تصدیق بفرمایید که این ماده با این تریب هیچ عیب ندارد.

ولیس - آقای مهرانی

ظهرالجمعی - بنده عرضم در این ماده راجع به همین توضیحی بود که فرمودند تصور میکنم این توضیح احتیاج به يك توضیح دیگری داشته باشد. فرمودند در سال باید چند مرتبه دفتر را افتتاح کرد که اشخاص بپردازند و اگر کسی در موعده فرموده بپرداخت تا موعده مقرراتی معلوم می شود محروم خواهد بود. اگر اینطور باشد بنده تصور می کنم برای عدم پرداخت يك وجهی که محکم یا دفتر خودی سبب تأخیر پرداخت شده این محرومیت خوب نیست و زیان دارد چون کسی برای پرداخت خودی هر وقت حاضر شد بلیکارد باید جقی خودی را بگیرد ولی اگر بگویم خبر حالا که حاضر شدی سیر کن تا موعده بفرم برسد اگر اینطور باشد می خواهم عرض کنم که

اشکالات بیشتری تولید میکند و اگر اینطور نیست شاید به مجرد پرداخت از محرومیت بیرون بیاید این را بطور مثال عرض میکنم ممکن است يك کسی دارای جواز درجه اول بوده و برایش وجهی تعیین شده و در موعده مقرره وجه وکالت را نتوانست بپردازد و دفتر بسته شد در این ضمن يك وکالی برای او رسید و کسی باو وکالت میدهد خوب آقوئت این پول دار خواهد بود و میخواهد بپردازد و اینکه بگویند با موعده دیگر به بنوائی بپردازد آقوئت نمیتواند این وکالت را قبول کند و لذا در می پوی باقی خواهد ماند و در موعده نهمی هم نمیتواند پرداخت کند چون این اشکالات ممکن است پیش بیاید بنظر بنده بایستی تا موعده نهمی محروم باشد و یا مجرد اینکه پرداخت باو جواز داده شود.

ظهرالجمعی - بنده کلمات میکنم آقوئت تصدیق بفرمایند که اداره و دفتر يك اداره را برای يك محضو موارد نادیده نمیشود معطل کرد ما منتهای درجه ارفاقی میکنیم و من هم انتظار دارم در يك مقرراتی که مردم را مجبور میکند بحسن عمل و خوش حسابی در زندگانی آقبابان خوب است ایجاد احتلال نکنند و کار را فایز نکنند و تصور نکنیم آزادی داشته باشد.

ولیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده میخواهم عرض کنم این مدت کالی است برای اینکه يك وکیل درجه اول با دوم با داشتن شصت روز فرصت بیاید و پولش را بدهد و میتواند این پول را تهیه کند چون علاقه بقبولش دارد اما چیزی که میخواهم عرض کنم هر دین کردن این مردم است با اشخاصی که مرکب جنجه و جنایت میشوند این بنظر بنده شایق است این را ممکن است آقای وزیر محترم عدلیه موافقت بفرمایند بنویسیم مادام که پول را نپردازند محروم است از وکالت و این هم اشکال ندارد ممکن است دفتر و کلازه را تا موعده که باید باز نگاهدارند بماند وقتی که او پرداخت يك باقی داشته متحصراً راجع سایر

بمعنا کم پیغمبرند این يك عمل است كه باید دفتر وكلاء
 كرده باشد و زحمت ندارد و تصور میکنم این مورد هم
 هیچوقت پیش نیاید برای اینکه البته آقایان وكلاء مردمان
 شریفی هستند و هیچوقت راضی نمیشوند يك همچو
 توهنی بآنها بشود و خوب است آنها را از این رفتن
 بیرون بیادرد كه عرض دیگر مربوط به ماده ۴۴۴
 ماده بود كه اینجا صحبت شد. راجع بهتفاوت پیغمبر
 قیاد اخلاقی در ماده قبل دیدیم تشخیصی را كه محكمه
 نظامی ممنوع میکند یکی از آن موارد تشخیصی است
 كه متجاهر بفساد اخلاقی هستند و در آنجا مواظقت شده
 كه بعد از پنج سال اعاده حیثیت میکنند یعنی بعد از پنج
 سال مدورتی با اعاده حیثیت میکنند ولی با هیچوقت مدت برایش
 قابل ندهد اند امروز ممكن است يك کسی جوانی پیش
 آمده مشهور شده است بسا اخلاق با استعمال مسكر با افزون
 ترك ممكن است سال بعد ابتلاور باشد سال بعد اقبودن
 ولی كرده باشد یا مسكر استعمال كند و با این جهت باید
 يك مدتی برای این گذشت كه امروز عرض شده
 و رد میکنم این يك مدتی دیگری داشته باشد كه سال
 بعد باز بتواند مراجعه كند و اتفاقاً كند این بود نظر
 بنده و تصور میکنم با يك توشیحی مطلب روشن شود و
 قانون مباحور روشن از مجلس بگذرد و آن قسمت را هم
 عرض كرده ممكن است با لفظ (مادام كه این كار را
 نكرده است) اصلاح كند و بنظر بنده اشكال ندارد

چهارم - مسألت نای و وصفی كه برای يكدهم مین
 میشود در قانون البته توفیقی است كه آن مسألت باقی است
 نه اینکه الى الإبد باشد و این مسألتی كه ملاحظه میفرمائید
 تمام ابتلاور است جز شرط محرومیت بافضال ابد چون
 در اینجا ابد جزو مسأله شده برای همیشه محروم است
 این يكی دوام دارد البته این مثل كسی كه بیست و
 چهار سال دارد و محروم است وقتی بیست و پنج ساله و
 بیست و شش ساله شد مشمول میشود مبنظور چیزهای

دیگر این توفیقی است كه رفع بشود و مبنظور در مسأله و چه
 پروانه وكالت وقتی كه در مورد بهتر نوداخته این در
 نتیجه عمل يك اختلالی تولید كرده و وكيل عدلیه هم
 باید يك آدم منطقی باشد و سر وقت حاضر شود روی
 قاعده كاشش را انجام دهد تمام كارهای عدلیه شرب-
 الاجل است اگر هم روز عرضش استنباطی را نداد و
 موعود استنباط كندت ممكن است يك مایهون حقوق
 موكلش از بین برود يك همچو وكلی كه يك همچو تعهدی
 دارد خودش هم باید متعهد باشد كه سر وقت برود و
 كار خودش را انجام بدهد و این عیبی ندارد و تنذیب
 رعایت مقررات است خاصه با آن مسأله ای كه آقای
 وزیر عدلیه وعده فرمودند. نسبت به شئون وكالت هم
 مبنظوری است كه عرض كردم البته تا این صفت نایسی
 است كسی كه مرتكب كارهای مخالف شئون وكالت شد
 محروم است و تشخیص هم با ساجی است و مرجع
 این كار هستند اگر محصور بود بفساد اخلاقی و راجع شد
 با نریا كی بود و ترك كرد با چه بود و رها كرد بالاخره
 رفع ممنوعیت از او خواهد شد و واجد شرایعی میشود
 كه وكيل باید داشته باشد.

پنجم - آقای اورنگ
اورنگ - بنده حضرت آقای وزیر يك اقتضای دارم
 و آن اقتضام مرا مجبور كرد بیام اینجا برای توضیح
 بعضی مسائل و تشدید يك توشیحات كافی تری و آن اقتضای
 من این است كه قوانینی كه مجلس با مردم زیاد دارد هم
 اندازم حوصله جاها وفا كندند و در اطراف او صحبت
 زیاد تر شود و بقول من چشم و پشیمان او زیادتر زده شود
 این برای مردم سهولت زیادتری را ایجاد میکند و برای
 مردم هر قدر تفاوتی فراهم باشد برای اصحاب دعوی
 البته راحت ترند. این مسأله كه در این ماده ذكر دارد
 و این بیان و توشیحی كه آقای فرمودند دوسه مرتبه هم
 آقای غیر در جواب رفتاری بنده توشیحاتی دادند باینستاد
 من متكامل و جدا لایق توشیح این معنی هنوز باید بنده

این اعتقاد من است این پنج توشیح: تشخیصی
 مرتكب اعمالی شوند كه منافی با شئون وكالت است آنها
 در نظر من تمامه كه بعد وزارت عدلیه نبوین میکند برای این
 قیوت آیا يك امحالی را در آن بنظر من باید ذكر می كنند
 كه الاشی نبویند اعمال منافی با شئون وكالت برقرار فیل
 است آنوقت برف یادوكرت چاروب كرده آن كج رفتن
 كج نشیندن این جا جزوش باشد این اگر واقع شود برای
 لغات را می شود روشن می شود مردم هم تكلیف
 می دانند با بعضی كارهایی كه طریقی قضیه حیات میکنند
 از اظهار و عنواشی آنها را هم ممكن است القاضی پیدا
 كنند بر ایشان كه قائم مقام آن اقبال باشد به بطوريكه
 اسم عمومی شش گذر شده باشد و الا اگر بخواهیم يك اموری
 را ردیف نكنیم و كو شرد قضیه و وكيل نكرده باشیم كه
 این قبیل امور منافی شأن وكالت است. بگذاریم به
 فهم قضیه من از خود آن اصناف می خواهم شما پشت همین
 تریون شریف آوردید و منلی زودیه من میزنم آنها اقتضات
 پیدا كنند و بخواهید همین مثل را حمل كنند برای يك
 وكيل مثلا روی این ماده كه آقای مؤید احمدی آمدند اینجا
 و واقعا يك حرفی زنده كه خیلی درست بود شخصی هست
 وكيل است فقط پروانه وكالت را كه چهل توهان با
 سی تومان هست بنده پس فردا هم دفتر بنده می شود
 پرول هم رسیده قلب و خیانت هم نمیخواهد بكنند بارو
 را كه كوشن است روی دوشش در كوچه جا عبور میکند
 خلق خدا من برف یادو میکند از سر پروانه و پشیمان
 زنده دفتر عدلیه (خنده وكلام) و قی ۱۲ از ماده
توقیف وكالت. امری مشروع و آدمی است درست
 و محترم آمده برف بنده نامه و اظهار بود و دویلی بسزای دوری
 عیادت رعیت باو بدهیم كه برود پاداره وكالت بدهد و
 پروانه خودش را بگیرد حقیقتاً (خند مطلب این است)
 ممكن است يك قضیه چنین تشخیص بدهد كه چون
 تو در كوچه برف یادوكرت این را مخالف شأن وكالت
 است و يك قضیه دیگر بگوید خوب كسب شأن ابریه است

شأنت وکالت تشخیص میدهد - مثلا امروز که فلان
 محکمه فلان عملی را مبنای شأن وکالت تشخیص میدهد در
 روزی دیگر محکم دیگر متخلف آن را تشخیص و حکم میدهد
 و لهذا احکام و متناهی است بحکم صادر گفته چون در تمام
 عدلهای احکام و ذوقها و نیز همه متخلف است همه التزام
 سپرده اند که یک جور قضایا را حل کنند و یک چیز را
 مبنای شأن وکالت بدانند من در زندگانی چاهم واردم
 و با مردم آشنا هستم. یعنی از مردم هستند که کوش را
 (تعمیر و در جای پر حجت) خوب میدانند و متناهیات
 این است که اسباب هر چه در حقیقت قدم بزده غشیه میشود
 مثلا در خیابان لاله زار چون حقیقت زیاد است هر چه آدم
 راه برود خوب است و غشیه میشود ولی یک ناشی دیگر
 این را خوب میدانند و این ناشی سراغ دارم که بگوید
 تو که از این جا خیابان لاله زار) رد شدی کذا: حکامی
 اولی می بینی: من باو کلام آقا او برود فلان قضایا به بین
 که که با هیچ راه می رود ولی او بگوید خبر او چون رد شدی
 اولی می بینی حالا بنده چکار کنم این جا است که بنده
 عقاید و آراء و متناهی میدانم پس خوب است و کلامی
 بفرمایند! بلکه نظمانده درست کنی و یک اعدای را
 در آن جا سر آمد بداری تا معلوم باشد و قاضی اگر تیار
 عمل و سرچ شود و با ذوق خودی قضیه را حل کند
 حالا بنده بپوش خودشان است

و بعد البته جواب بنده: بطور تفصیلی بیانات آقایان و درنگ
 انرا خواهد بود (در اول) ولی فرمایشات آقا دوستند
 که در است غیرشان فرمودند (چه مطالب این است) و معلومند
 است در این نوعی بود و بنده این است و او را برین میگویم
 همان قضیه را که فرمودند چه مطالب است جواب عرض
 میکنم - است آخر بیانات این بود که عکسها و قضای
 یک قضایا را تشخیص میدهد که منافی با شأن وکالت است
 بلکه ناشی دیگر تشخیص میدهد. بیست - بالاخره راه
 تشخیصات عرفی در هر دو یکی آرائی است که از حکم آن
 محلیت بیرون میآید. با باید احترام گذاشت بیکر سببهای

(چون از بیاندگان - مذاکرات کالی است)

اولی - کالی بیست

مجلس - بنده از آقایان دیگر هم اجازه خواستند
 که صحبت کنند با پدرای گرفت. آقایانیکه با کفایت و مذاکرات

مواقفند قیام فرمایند (اکثر قیام بودند) صوب شد
 رأی گرفته میشود بنده آقایانی که مواظفند قیام فرمایند
 (عقاب قیام بودند) صوب شد. ماده ۸ فقرات دوم،
 ماده ۸ - اختصاصی که قبل از اجرائی این قانون پروانه
 وکالت ندانند و بشراهند آنرا تحصیل نمایند در صورت
 دارا بودن شرایط مقرر در این قانون باید از لایحه مدت
 یکسال در قانون وکلاء عمل نمایند و بعد منبر دوره آزمون
 تقنینیه می شود.

برای وکالت و کلاها در دوره آزمون و طرز مداخله
 آنها را در محاکمات و امینانی که طی دوره آزمون
 بایستی در امور قضایی انجام دهند وزارت عدله بوجوب
 نظارت و جهت می نماید. برای وکالت در دوره آزمون
 پروانه مخصوصی مقرر است و مراحل را که طبق این
 قانون در دوره آزمون اجازه داده میشود وکالت نمایند
 در آن قید دیگری در مورد اشخاصی که دارای دانشنامه
 لیسانس یا دکتری از دانشگاههای داخله یا خارجه هستند
 دوره آزمون فقط برای پروانه وکالت هر چه اول الزامات
 ولی با داشتن سوابق خدمات قضایی یا اداری در وزارت
 عدله وزیر عدله می تواند آنها را نیز از دوره آزمون
 معاف کند

مجلس ۱ - وزارت عدله می تواند اشخاصی را که
 بدون ورود ۲ و ۳ ماده ۳ این قانون هستند از دوره
 آزمون معاف بدارد

مجلس ۲ - در صورتی که کول در دوره آزمون
 طبق نظامنامه از طرف یکی از کلاها در محاکمات وکالت
 نماید مسئولیت اعمال او متوجه کولی است که او را تعیین
 کرده و هرگاه از طرف مواظفند قضایی کار بساو اجاله
 خود بایستی تحت حمایت و نظارت مواظفند قضایی انجام
 وظایف نماید

مجلس - مواظفند با ماده ۸ قیام فرمایند. اکثر
 قیام بودند) صوب شد. آقای وزیر عدله
 (۳ - تقنینیه یک فقره لایحه نظر از آقای وزیر عدله)
 فرمایند عدله - ماده واحده است تقنینیه میکنم به
 مجلس شورای ملی در موضوع ارتقای در تعویب اشخاصی
 که تکلیف خودشان را واجب به ثبت اجاره و مال اشخاص
 نداده بودند بواسطه چول و نالایی که نسبت به آنها
 ارتقای خود.

مجلس - که بیرون رجوع خواهد شد
 (۴ - تقنینیه سه فقره طبر مرخصی)

مجلس - چند فقره خبر از کبیرون عرایش رسیده
 است فقرات میشود:
 خبر مرخصی آقای بیژاری.

آقای بیژاری برای انجام امورات شخصی تقاضای ده
 روز مرخصی تا ۲۹ آبر ماه تا آخر آبر ۱۳۱۰ مودمانند
 کبیرون عرایش و مرخصی با مرخصی ایشان موافقت و
 اینکه خبر آنرا تقنینیه مجلس شورای ملی می نمایند.

مجلس - رأی گرفته میشود بنده خبر آقایانیکه مواظفند
 قیام فرمایند (عقاب قیام بودند) صوب شد. خبر دیگر
 راجع به مرخصی آقای مرات استند با:

آقای مرات استند با تقاضای بیست روز مرخصی برای
 مسافرت بکرمان از تاریخ حرکت نموده الله و از تاریخ
 ۲۹ آذر ۱۳۱۰ استعفا از مرخصی نموده اند کبیرون
 عرایش و مرخصی با تقاضای ایشان موافقت و اینکه خبر
 آنرا تقنینیه مجلس شورای ملی می نمایند.
 مجلس - آقایانیکه با مرخصی آقای مرات استند با برای
 مواظفند قیام فرمایند (اکثر قیام بودند) صوب شد.

خبر مرخصی آقای دکتر غنی

آقای دکتر غنی از تاریخ ۲۹ آذرماه تقاضای شش روز
 مرخصی نموده اند کبیرون با تقاضای ایشان موافقت و اینکه

خبر آرا تقدیم مجلس شورای ملی مینماید .
 رئیس - موافقین با سرخصی آقای دکتر گنجی قیام فرمایند
 (جلسه قیام ننودند) تصویب شد .
 [۵ - موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]
 رئیس - اکثر موافقت بنمایند جلسه را ختم کنیم

(جمع است) جلسه آینده روز یکشنبه ۲۷ دی ماه
 به ساعت قبل از ظهر . دستور جلسه لایحه اصلاح قانون
 وکالت
 (مجلس که دقیقه پنجم مانده ختم شد)
 رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری